



بسیط الحقیقه

بسیط الحقیقه، یکی از قواعد [فلسفه اسلامی](#) است.

فهرست مندرجات

- ۱ - عبارت کامل بسیط الحقیقه
- ۲ - دیدگاه ملاصدرا در باره این قاعده
- ۳ - پیچیدگی مفاد قاعده بسیط الحقیقه
- ۴ - توجه عرفا به این قاعده
- ۵ - اقله برهان بر این قاعده
- ۶ - معنای بسیط الحقیقه
- ۷ - مفاد قاعده بسیط الحقیقه
- ۸ - اثبات قاعده بسیط الحقیقه
- ۸.۱ - مثال
- ۸.۲ - بیان برهان به شکلی دیگر
- ۸.۳ - شبهه ترکیب شیء از حیث وجود و عم
- ۸.۴ - پاسخ به شبهه
- ۸.۵ - شبهه صفت سلبی خداوند
- ۸.۶ - برهان ملاصدرا مطابق با مبانی عرفان
- ۸.۶.۱ - دیدگاه سبزواری و علامه
- ۹ - صدق مفاد قاعده بر صفات کمال
- ۱۰ - رابطه موضوع و محمول در این قاعده
- ۱۱ - کاربرد قاعده بسیط الحقیقه
- ۱۲ - فهرست منابع
- ۱۳ - پانویس
- ۱۴ - منبع

عبارت کامل بسیط الحقیقه

عبارت کامل آن «بسیط الحقیقه کلاً لاشیاء و لیس بشیء منها» است، به معنای [بسیط حقیقی](#) همه اشیا است، در حالی که هیچیک از اشیا نیست؛ یعنی واجد کمالات و جهات وجودی و خیر همه چیز، و فاقد نقایص و حدود و تعینات آنهاست.

دیدگاه ملاصدرا درباره این قاعده

[ملاصدرا \(صدرالدین شیرازی\)](#) این قاعده را از غوامض [علوم الهی](#) دانسته و درک حقیقت آن را جز برای کسانی که از جانب حق تعالی به سرچشمه [علم](#) و [حکمت](#) راه می‌یابند، آسان ندانسته است.

[۱] محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۶، ص ۱۱۰، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

پیچیدگی مفاد قاعده بسیط الحقیقه

به نظر ملاصدرا،

[۲] محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، مفتاح الغیب، ج ۱، ص ۵۷۵، چاپ محمد خواجوی، تهران ۱۳۶۳ ش.

پیدگی مفاد این قاعده به قدری است که روی زمین کسی نسبت به آن علم صحیح ندارد. چنانکه سبزواری در تعلیقه حکمة المتعالیه [۱۴] محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۶، ص ۱۱۱، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷). نقل می‌کند، ملاصدرا این قاعده را از خصایص فکر خود دانسته که پیش از او کسی به آن دست نیافته مگر ارسطو که آن را به اجمل بیان کرده است.

توجه عرفا به این قاعده

عرفا نیز به مفاد این قاعده توجه داشته و آن را به عبارات مختلف از قبیل «شهود کثرت در وحدت» و «مشاهده مفصل در مجمل» بیان کرده اند. [۴] محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۶، ص ۱۱۱، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷). [۵] محمد بن ابراهیم عطار، منطق الطیر، ج ۱، ص ۸-۹، چاپ مجتهد مشکور، تبریز (تاریخ مقدمه ۱۳۳۷ ش).

اقامه برهان بر این قاعده

اما اقامه برهان بر این قاعده و تحلیل صحیح منطقی و فلسفی آن در کتابهای عرفا یافت نمی‌شود. از یزید و ابتکار بزرگ فلسفی ملاصدرا، در تنظیم و تنقیح و اقامه برهان بر این قاعده، نباید ناچیز انگاشته شود. پس از او ملاحسن فیض کاشانی،

[۶] محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، اصول المعارف، ج ۱، ص ۳۱-۳۵، چاپ جلال الدین آشتیانی، قم ۱۳۶۲ ش. ملاعلی نوری،

[۷] علی بن جمشید نوری، رساله بسیط الحقیقه و وحدت وجود، ج ۱، ص ۹-۱۸، چاپ جلال الدین آشتیانی، (تهران) ۱۳۵۷ ش.

ملاهادی سبزواری

[۸] هادی بن مهدی سبزواری، شرح منظومه، ج ۱، ص ۱۷۱-۱۷۲، چاپ سنگی تهران ۱۲۹۸.

[۹] هادی بن مهدی سبزواری، شرح منظومه، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۱۰، چاپ سنگی تهران ۱۲۹۸.

و دیگران در آثار خود از این قاعده سخن گفته اند.

معنای بسیط الحقیقه

کلید درک مفاد این قاعده، شناخت معنای بسیط الحقیقه است. بسیط حقیقی یا بسیط الحقیقه، چیزی است که اصلاً جزء نداشته باشد، نه ماده و صورت خارجی، نه جنس و فصل حقیقی یا اعتباری نه به طریق اولی - جزء مقداری؛ و نیز مرکب از وجود و ماهیت نباشد.

[۱۰] ابن سینا، الاشارات و التنبيهات، ج ۳، ص ۵۴، مع الشرح لنصیرالدین طوسی و شرح الشرح لقطب الدین رازی، تهران ۱۴۰۳.

[۱۱] محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۵، ص ۲۹۵-۳۴۲، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

[۱۲] برای توضیح بیش‌تر درباره معانی بسیط رجوع کنید به دانشنامه جهان اسلام، ذیل بسیط و مرکب.

مفاد قاعده بسیط الحقیقه

بنابر تعریف بسیط الحقیقه، در عالم ماهیت و ممکنات، اعم از این‌که جوهر باشند یا عرض، بسیط حقیقی وجود ندارد. زیرا اگر ممکن الوجود دارای ماده و صورت خارجی نباشد، دست کم از جنس و فصل اعتباری میرا نیست. بنابراین، بساطت حقیقی منحصر در حقیقت وجود بوده و این صرف هستی است که بسیط الحقیقه است.

اثبات قاعده بسیط الحقیقه

چون این قاعده از عمیق‌ترین مسائل نظری است، اثبات مفاد آن نیازمند برهان است. ملاصدرا در اثبات آن چنین استدلال کرده است: «هر بسیط الحقیقه‌ای تمام اشیاست مگر آنچه به نقص‌ها و نیستی‌ها تعلق دارد. اگر هویت بسیط حقیقی همه اشیا نباشد، لازم می‌آید که ذات بسیط از «بود شیء» و «نبود شیء دیگر» تحصیل یابد. در این صورت، ذات آن - ولو به حسب اعتبار و تحلیل عقلی - از دو حیثیت مختلف ترکیب یافته است. در حالی که ثابت شده که او بسیط الحقیقه است و این خلاف فرض است.

← مثال

برای مثال، اگر چیزی که فرض شده بسیط است «الف» باشد و «ب» نباشد، حیثیت «الف بودن» او عین حیثیت «ب نبودن» او نیست. زیرا لازم می‌آید که مفهوم «الف» و مفهوم «ب» امر واحدی باشد؛ و لازم باطل است، چون محال است که وجود و عدم امر واحدی باشد، پس ملزوم هم باطل است. بنابر این ثابت می‌شود که بسیط حقیقی، همه اشیا است.»

[۱۳] محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۶، ص ۱۱۰-۱۱۲، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

به عبارت دیگر، «هر هویتی که سلب شیء یا اثباتی از آن صحیح باشد، قهراً متحصّل از سلب و ایجاب است و چنین هویتی مرکب است. عکس نقیض این (قضیه) عبارت است از این‌که هر هویتی که بسیط الحقیقه است سلب شیء یا اشیا از آن ممکن نیست، و به بیان دیگر بسیط الحقیقه کل الاشياء.»

[۱۴] تعلیقه طباطبائی، محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، ج ۶، ص ۱۱۰، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

← بیان برهان به شکلی دیگر

ملاصدرا این برهان را به صورت دیگری نیز بیان کرده است: اگر بگوییم «انسان فرس نیست»، حیثیت فرس نبودن برای انسان از دو حالت بیرون نیست: (۱) حیثیت فرس نبودن عین حیثیت انسان بودن است؛ (۲) حیثیت فرس نبودن غیر حیثیت انسان بودن است. اگر حالت اول درست باشد، به این معنی که انسان از آن جهت که انسان است لافرس است، لازم می‌آید که هر گاه ماهیت انسان را تعقل کنیم، معنای «فرس نبودن» را نیز تعقل کنیم، در حالی که چنین نیست، زیرا تعقل ماهیت انسان، ملازم با تعقل «فرس نبودن» او نیست، چه رسد به این که تعقل انسان، عین تعقل «فرس نبودن» به شمار آید. بدین ترتیب، حالت دوم درست است، یعنی حیثیت فرس نبودن غیر حیثیت انسان بودن است؛ خواه این مغایرت به حسب خارج باشد - که ترکیب خارجی لازم می‌آید - و خواه مغایرت به حسب عقل باشد، که ترکیب عقلی لازم می‌آید. پس اگر شیئی دارای دو حیثیت وجدان و فقدان باشد، نلچار مرکب خواهد بود. منشا این ترکیب، در حقیقت، نقص وجود است؛ زیرا حیثیت نقصان در هر ناقصی غیر از حیثیت وجود و فعلیت اوست. پس بسیط الحقیقه تمام اشیا است و چیزی از او سلب نمی‌شود مگر نقص‌ها، امکان‌ها و اعدام.

[۱۵۱] محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۶، ص ۱۱۲-۱۱۴، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

← شبهه ترکیب شیء از حیث وجود و عدم

در اینجا ممکن است اشکال شود که فقدان‌ها و نیستی‌ها، امور اعتباری محض‌اند که در واقع و نفس الامر نه بالذات تحقق دارند و نه بالعرض. پس چگونه می‌توان ادعا کرد که یک شیء از دو حیثیت وجدان و فقدان مرکب است؟

← پاسخ به شبهه

در پاسخ گفته می‌شود که این اشکال در نیستی صرف صادق است ولی در بلب عدم ملکه و آنچه به حسب اصطلاح «نقصان وجود» خوانده می‌شود صدق نمی‌کند، زیرا عدم ملکه و نقصان وجود، در عالم هستی منشا شر و بدی است؛ و آنچه منشأ شر است، مفهوم و اعتبار محض نیست.

[۱۶۱] علی بن جمشید نوری، رساله بسیط الحقیقه و وحدت وجود، ج ۱، ص ۱۱، چلچ جلال الدین آشتیانی، (تهران ۱۳۵۷) ش.

← شبهه صفت سلبی خداوند

ملاصدرا در قالب «ان قلت»، این اشکال را مطرح می‌کند که واجب الوجود، بسیط الحقیقه و منزّه از هر گونه ترکیب است، پس چگونه است که به صفت سلبی از قبیل سلب جسمیت و جوهریت و عرضیت و سلب سایر شئون امکانی، متصف است؟ وی در پاسخ می‌گوید: «صفت سلبی خداوند، به سلب نقص و نیستی که همان سلب است بر می‌گردد. و معنای سلب سلب، وجود است؛ همچنان که معنای سلب نقص نیز همان کمال است.

[۱۷۱] محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۶، ص ۱۱۴، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

← برهان ملاصدرا مطابق با مبانی عرفان

ملاصدرا این قاعده را مطابق مبانی عرفان نیز مبرهن کرده و می‌گوید: وجود مطلق نزد عرفا چیزی است که محصور در امری معین و محدود به حدی خاص نیست، و مقید به خلاف آن است؛ مانند فلک، نفس و عقل. وجود مطلق همه اشیا است، چون خدای تعالی فاعل هر وجود مقید و کمالات اوست. و مبدأ هر فضیلتی به داشتن آن کمال و فضیلت سزاوارتر از هر چیز دیگر است، پس مبدأ و قیاض همه اشیا باید به نحو اعلا و برتر، همه اشیا باشد؛ یعنی همه آن‌ها باشد از آن جهت که هستند و کمالاتی دارند نه از آن جهت که نقص‌ها و محدودیت‌هایی دارند.

[۱۸۱] محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۶، ص ۱۱۶، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

← دیدگاه سبزواری و علامه

سبزواری و علامه طباطبائی تقریر اخیر را سبک دیگری در اثبات قاعده دانسته‌اند که بر اصل علّیت و قاعده «مُعطی شیء، فاقد شیء نیست» مبتنی است.

[۱۹۱] تعلیقه سبزواری و طباطبائی، محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، ج ۶، ص ۱۱۶، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

صدق مفاد قاعده بر صفات کمال

مفاد قاعده «بسیط الحقیقه» درباره تمام صفات کمالی صادق است، به این ترتیب که بسیط العلم و علم بسیط همه علوم است اما بدان جهت که علم‌اند نه بدان جهت که مشوب به جهل‌اند. بسیط القدره و قدرت بسیط نیز همه قدرتهاست از آن جهت که قدرت‌اند نه بدان جهت که مخلوط به عجز و ناتوانی‌اند. در سایر صفات کمالی نیز چنین است، بسیط الکمال و کمال بسیط در مرتبه ذاتش تمام کمالات است.

[۲۰۱] علی بن جمشید نوری، رساله بسیط الحقیقه و وحدت وجود، ج ۱، ص ۱۲، چلچ جلال الدین آشتیانی، (تهران ۱۳۵۷) ش.

رابطه موضوع و محمول در این قاعده

در قاعده «بسیط الحقیقه کل الاشیاء...» بسیط الحقیقه، موضوع و «کل الاشیاء» محمول است و حمل اشیا بر بسیط الحقیقه از قبیل حمل شایع صناعی و یا حمل اولی ذاتی و به عبارت دیگر از قبیل حمل‌های معمول و متعارف نیست تا این‌که عینیت موضوع و محمول در تمام جهات وجودی و عمی، سلبی و ایجابی و یا اتحاد مفهومی مین موضوع و محمول لازم آید، بلکه حمل مشوب بر صرف یا محدود بر مطلق و به عبارت شناخته‌تر حمل حقیقه و رقیقه است.

[۲۱] محمدحسین طباطبائی، نهاية الحکمة، ج ۱، ص ۲۷۷، چپ عبدالله نورانی، قم ۱۳۶۲ ش.

کاربرد قاعده بسیط الحقیقه

ملاصدرا و حکمای پس از او در مسائل ذیل از این قاعده استفاده کرده اند: الف) مسئله **توحید** و فردانی ذات و تام الحقیقه بودن واجب الوجود. ب) مسئله اجمال در تفصیل و تفصیل در اجمال که از کتب عرفا اخذ شده و با قاعده بسیط الحقیقه در آمیخته است. ج) اتحاد نفس ناطقه با تمامی قوای خود. د) علم حق تعالی به ذات خود. ه) علم حق تعالی به غیر.

[۲۲] محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۱، ص ۱۳۵، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

[۲۳] محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۶، ص ۱۱۸۱۱۰، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

[۲۴] محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، اصول المعارف، ج ۱، ص ۲۹، چپ جلال الدین آشتیانی، قم ۱۳۶۲ ش.

[۲۵] هادی بن مهدی سبزواری، شرح منظومه، ج ۱، ص ۱۷۱-۱۷۲، چپ سنگی تهران ۱۲۹۸.

[۲۶] هادی بن مهدی سبزواری، شرح منظومه، چپ سنگی تهران ۱۲۹۸.

فهرست منابع

(۱) ابن سینا، الاشارات و التنبيهات، مع الشرح لنصیرالدین طوسی و شرح الشرح لقطب الدین رازی، تهران ۱۴۰۳.

(۲) هادی بن مهدی سبزواری، شرح منظومه، چپ سنگی تهران ۱۲۹۸.

(۳) محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

(۴) محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، مفاتیح الغیب، چپ محمد خواجه، تهران ۱۳۶۳ ش.

(۵) محمدحسین طباطبائی، نهاية الحکمة، چپ عبدالله نورانی، قم ۱۳۶۲ ش.

(۶) محمد بن ابراهیم عطار، منطق الطیر، چپ مجدجواد مشکور، تبریز (تاریخ مقدمه ۱۳۳۷ ش).

(۷) محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، اصول المعارف، چپ جلال الدین آشتیانی، قم ۱۳۶۲ ش.

(۸) علی بن جمشید نوری، رساله بسیط الحقیقه و وحدت وجود، چپ جلال الدین آشتیانی، (تهران) ۱۳۵۷ ش.

پانویس

۱. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۶، ص ۱۱۰، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

۲. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۵۷۵، چپ محمد خواجه، تهران ۱۳۶۳ ش.

۳. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۶، ص ۱۱۱، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

۴. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۶، ص ۱۱۱، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

۵. محمد بن ابراهیم عطار، منطق الطیر، ج ۱، ص ۸-۹، چپ مجدجواد مشکور، تبریز (تاریخ مقدمه ۱۳۳۷ ش).

۶. محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، اصول المعارف، ج ۱، ص ۳۱-۳۵، چپ جلال الدین آشتیانی، قم ۱۳۶۲ ش.

۷. علی بن جمشید نوری، رساله بسیط الحقیقه و وحدت وجود، ج ۱، ص ۹-۱۸، چپ جلال الدین آشتیانی، (تهران) ۱۳۵۷ ش.

۸. هادی بن مهدی سبزواری، شرح منظومه، ج ۱، ص ۱۷۱-۱۷۲، چپ سنگی تهران ۱۲۹۸.

۹. هادی بن مهدی سبزواری، شرح منظومه، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۱۰، چپ سنگی تهران ۱۲۹۸.

۱۰. ابن سینا، الاشارات و التنبيهات، ج ۳، ص ۵۴، مع الشرح لنصیرالدین طوسی و شرح الشرح لقطب الدین رازی، تهران ۱۴۰۳.

۱۱. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۵، ص ۳۴۲-۲۹۵، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

۱۲. برای توضیح بیشتر درباره معانی بسیط رجوع کنید به دانشنامه جهان اسلام، ذیل بسیط و مرکب.

۱۳. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۶، ص ۱۱۰-۱۱۲، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

۱۴. تعلیقه طباطبائی، محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، ج ۶، ص ۱۱۰، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

۱۵. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۶، ص ۱۱۲-۱۱۴، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

۱۶. علی بن جمشید نوری، رساله بسیط الحقیقه و وحدت وجود، ج ۱، ص ۱۱، چپ جلال الدین آشتیانی، (تهران) ۱۳۵۷ ش.

۱۷. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۶، ص ۱۱۴، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

۱۸. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۶، ص ۱۱۶، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

۱۹. تعلیقه سبزواری و طباطبائی، محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، ج ۶، ص ۱۱۶، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

۲۰. علی بن جمشید نوری، رساله بسیط الحقیقه و وحدت وجود، ج ۱، ص ۱۲، چپ جلال الدین آشتیانی، (تهران) ۱۳۵۷ ش.

۲۱. محمدحسین طباطبائی، نهاية الحکمة، ج ۱، ص ۲۷۷، چپ عبدالله نورانی، قم ۱۳۶۲ ش.

۲۲. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۱، ص ۱۳۵، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

۲۳. محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۶، ص ۱۱۸۱۱۰، قم (تاریخ مقدمه ۱۳۸۷).

۲۴. محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، اصول المعارف، ج ۱، ص ۲۹، چپ جلال الدین آشتیانی، قم ۱۳۶۲ ش.

۲۵. هادی بن مهدی سبزواری، شرح منظومه، ج ۱، ص ۱۷۱-۱۷۲، چپ سنگی تهران ۱۲۹۸.

۲۶. هادی بن مهدی سبزواری، شرح منظومه، چپ سنگی تهران ۱۲۹۸.

[دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «بسیط الحقیقه»، شماره ۱۳۶۱.](#)

رده‌های این صفحه: [اصطلاحات فلسفی](#) | [بسیط و مرکب](#) | [فلسفه اسلامی](#)